

● اشاره:

یکشنبه هفته گذشته قسمت نخست مقاله آقای شمس‌الدین با عنوان حوزه علمیه و مسئله تبلیغ به چاپ رسید. در قسمت اول بعد از مقدمه مطالبی چون فضیلت سخنرانی و روضه‌خوانی، فن خطابه و شرایط یک سخنران و مبلغ خوب، انگیزه و هدف و نیز اخلاص مبلغ و سخنران خوب به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته بود. قسمت آخر این مقاله ادامه مباحث مربوط به تبلیغ می‌باشد که با هم می‌خوانیم.

ب - راستگویی

یکی از آفات بزرگی که معمولاً گریبانگیر همه مردم و مخصوصاً صنف شریف سخنرانان و واعظان و مداحان و روضه‌خوانان (البته نه بطور کلی) می‌شود، مسئله خلاف واقع گفتن و به عبارت روشن‌تر و صریح‌تر دروغ گفتن به جهت مقاصد دنیویه است.

این آفت بزرگ که دین و دنیای انسان را یکجا به نابودی می‌کشاند مورد مذمت شدید آیات نورانی قرآن کریم و احادیث و روایات ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته است.

چه بسیار زیبنده و شایسته است بر مبلغانی که می‌خواهند مردم را هدایت و ارشاد نمایند که از آنچه قطعاً غیر درست تشخیص می‌دهند و حتی از آنچه صحت آن مورد تردید است شدیداً پرهیز داشته باشند.

البته همانگونه که مورد اشارت رفت نمی‌خواهیم کلیتی بر این سخن در نظر آوریم بلکه اگر تعداد انگشت‌شماری هم در این صنف شریف گرفتار چنین آفت و بلیه‌ای باشند، مجوزی برای تعرض این مبحث به دست می‌آید.

به عبارت دیگر می‌توان اینگونه بیان داشت که:

به مقتضای اصول مذهب و اخبار بسیار، مثل فقرات

● در مسئله تبلیغ، رعایت مقتضیات زمان و مکان بسیار مهم است و مبلغ خوب و موفق کسی است که بداند در محیطهای دانشجویی و روشنفکری چه مطالبی را عنوان کند و در جمع عامه مردم چه بگوید و یا در شهر چه سخنی مطرح کند و در روستا چه مطلبی.

اذن دخول در مشاهد مشرفه: اشد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی (گواهی می‌دهم که جایگاه مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید و سلام مرا پاسخ می‌دهید) و نیز اینکه سخن گفتن در کنار قبور مؤمنین مانند سخن گفتن در محضر آنها است و آنها کاملاً متوجه می‌شوند ما پیوسته در محضر رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام هستیم و آنها زنده‌اند و بر ما ناظرند.

حال آیا دروغ گفتن در محضر ایشان و نسبت دروغ دادن به آنها روا باشد؟! آن هم از لسان کسی که خود را مبلغ مرام و هدف و مکتب ایشان می‌داند و قدم بر مسند وعظ و خطابه آنها نهاده، و در یک جمله خود را نوکر و سرباز و مروج و مرثیه‌سرا و روضه‌خوان آنان قلمداد می‌کند!

ج - منبع معتبر:

شکی نیست که نقل مطالب از منابع معتبر و قابل قبول موجب ارزش بیشتر سخنرانی و روضه‌خوانی می‌شود، و رعایت آن بر اهل خطابه و روضه لازم است. در کافی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: هرگاه خواستید حدیثی نقل کنید نام ناقل حدیث را بگوئید و مستند خود را ذکر کنید، که اگر این سخن و حدیث راست باشد ثواب آن حدیث و عمل به آن برای همه شما خواهد بود و اگر دروغ باشد ضررش بر همان کسی است که این دروغ را برای شما نقل کرده است. یعنی اگر منبع حدیث یا مطلبی مورد تعرض قرار گیرد، صحت و سقم آن بر عهده نویسنده می‌باشد نه بر عهده گوینده، اما در عین حال کتب معلوم‌الحال و غیرمعتبر نمی‌تواند به عنوان مأخذ نقل حدیث یا مطلب ضعیف و سخیف و غیرقابل قبول قرار گیرد.

اصولاً معنی صدق و کذب می‌باشد که باید روضه‌خوان (و سخنران) و امثال او آن را بدانند و در مقام عمل رعایت کنند، این است که توجه داشته باشند که چگونه اخبار و قصص را نقل کنند. و علاوه بر رعایت صدق لسان و تحرز از کذب زبان، بدانند که دروغ از کبائر است.

و لذا ناقل باید فقط از شخص ثقة و مورد اطمینان نقل کند و از همین جهت نقل آن چه می‌شود و آن را صدق نمی‌داند نیز جایز نیست.

در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه‌السلام مروی است که در نامه‌ای به حارث همدانی نوشتند: ولا تحدث

● رعایت شرائط و مقتضیات زمان از جانب مبلغان، رمز موفقیت آنان و موجب اثرگذاری قطعی سخنرانی خواهد بود.

● سخنرانان و موعظه‌گران اگر خود بدانچه می‌گویند عمل نکنند، خود از مواعظ خویش منعظ نگردند و در مقام عمل بدانچه می‌گویند پای بند نباشند، نه تنها اثری بر موعظه و تبلیغ آنها در مستمعین مترتب نیست بلکه مورد خشم و غضب الهی نیز قرار می‌گیرند.

الناس لكل ما سمعت وكفى بذلك كذبا، یعنی نقل مکن برای دیگران آنچه را که شنیدی که همین بی‌مبالائی در نقل کردن آنچه شنیده کافی است که ناقل دروغگو باشد. گفته‌اند شخصی در شهر کرمانشاه خدمت عالم کامل، جامع فرید آقا محمدعلی صاحب مقام رسید و عرض کرد: در خواب می‌بینم به دندان خود گوشت بدن مبارک سیدالشهداء علیه‌السلام را قطع می‌کنم. آقا او را نمی‌شناخت، سر به زیر انداخت و متفکر شد، سپس به او فرمود: شاید روضه‌خوانی می‌کنی؟ عرض کرد: بلی، فرمود: یا ترک کن و یا از کتب معتبره نقل کن. (۱)

۴ - قول و عمل

دین مقدس اسلام تأکید بسیاری بر همراهی قول و عمل، و گفتار و کردار دارد، و در آیات شریفه قرآنی بر آن تصریح مؤکد داشته (۲) و گفتار بدون عمل را گناه و معصیت بزرگ و انحراف اساسی از مسیر صحیح انسانی دانسته است، و در احادیث نورانی عترت علیهم السلام نیز مفصلاً بدان توجه عمیق شده است.

سخنرانان و موعظه‌گران (و نیز روضه‌خوانان و مرثیه‌سرایان) اگر خود بدانچه می‌گویند عمل نکنند، خود از مواعظ خویش منعظ نگردند، خود از نصایح خویش بهره نبرند و در مقام عمل بدانچه می‌گویند پای بند نباشند، نه تنها اثری در موعظه و تبلیغ آنها در مستمعین مترتب نیست بلکه مورد خشم و غضب الهی نیز قرار می‌گیرند؛ و مشمول آیات و روایاتی که بعضی از آنها ذیل بیان می‌شود قرار می‌گیرند.

«اتأمرون الناس بالبرّ وتنسون انفسكم» (۳) آیا مردم را امر به نیکی می‌کنید و خود را فراموش می‌نمایید.

رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: سخت‌ترین عذاب قیامت برای عالمی است که او را از علم خود نفعی نباشد. (۴)

۵ - مقتضیات زمان و مکان

یکی از موارد بسیار مهم و اساسی در مسئله تبلیغ و وعظ و خطابه، رعایت مقتضیات زمان و تا حدودی مقتضیات مکان است.

الف - مقتضیات مکان:

در آغاز به این نکته اشاره کنم که به یاد دارم رهبر معظم انقلاب اسلامی طی سفر اخیرشان به قم در یکی از جلسات تخصصی در جمع علماء حوزه علمیه قم، نکته‌ای را مطرح فرمودند و بر آن تأکید نمودند بدین مضمون که رعایت شرائط و مقتضیات مکان برای مبلغین بسیار لازم و ضروری است و یک مبلغ خوب و موفق کسی است که بداند مثلاً در محیطهای دانشجویی و روشنفکری چه مطالبی را عنوان کند و در جمع عامه مردم چه بگوید، و یا در شهر چه سخنی مطرح کند و در روستا چه مطلبی.

و تردیدی نیست که اگر این امر مورد توجه نباشد نه تنها تبلیغات بی‌اثر است بلکه در اکثر مواقع آثار سوء هم بر آن مترتب است.

ب - مقتضیات زمان:

رعایت شرائط و مقتضیات زمان از جانب مبلغان، رمز موفقیت آنان و موجب اثرگذاری قطعی سخنرانی خواهد بود. یعنی امروز که دنیای علم و تمدن و پیشرفت با تمام قامت به صحنه آمده و خود را می‌نمایاند و هر روز حرفهای جدید و نو در مسائل مختلف کلامی و فلسفی و اقتصادی و سیاسی و نیز اجتماعی در ابعاد روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... مطرح می‌کند، سخنرانی موفق است و از صحنه پر مخاطره تبلیغ سر بلند بیرون می‌آید که بغیر از بعضی از مسائل قدیمی که همیشه باید مورد بحث و طرح باشد (همانگونه که رهبری معظم انقلاب در سخنرانی چهارشنبه گذشته‌اش بیان داشتند) بایستی با آگاهی از مستحدثات علوم و با آمادگی در پاسخگویی به نیازهای حیاتی جامعه بر مسند وعظ و خطابه تکیه زند تا در رشد و

اعتلای فرهنگ جامعه حرکتی کرده باشد و اقدامات تبلیغی مؤثر واقع شود.
در این زمان خاص که تمامی کفر و الحاد و حتی مجموعه اسلام غیرمترقی در برابر نظام مقدس جمهوری اسلامی قامت برافراشته است حداقل چیزی از یک مبلغ و سخنران متوقع است این مسئله است که ارزشهای الهی این نظام مقدس، تلاشها و رنجها و ایثارگریهایی که برای احیاء دین و تأسیس حکومت دینی معمول داشته شده، اسارتها و شهادتها و جانبازیهای سوخته‌دلان عاشق که در راه ولایت فقیه تحقق یافته، و تحمل سختیهای اقتصادی و بیماریها و خسارتها و جنگی و بسیاری مصائب دیگر که برای اقامه عدل و تسط در جامعه که جلوه‌ای ملموس داشته و دارد، هرگز نباید از دید و نظر بدور افتد و یا حتی نسبت به موفقیتهای سیاسی و نظامی و حتی اقتصادی و فرهنگی حکومت دینی امان کم لطفی شود و شاخصهای رشد و پیشرفت (که مورد اعتراف و تأیید، و در نتیجه حسادت و کارشکنی دشمنان قسم خورده نظام جمهوری

حوزه علمیه و مسئله تبلیغ

● سید مهدی شمس‌الدین □ قسمت دوم

اسلامی و مکتب حقه تشیع است) به کلی منسی خاطر مبلغان دینی قرار گیرد، و خدای ناخواسته موضوع سخنرانیها بر محور مطالب قدیمی، تکراری، و بدون اثر و خاصیت دور بزند، که این فاصله گرفتن از فلسفه تبلیغ و سخنرانی و موعظه‌گری دینی است، چرا که منطق معارف دینی ما هرگز یک سونگری را تأیید نکرده و دنیا و آخرت را از یکدیگر جدا ندانسته بلکه دنیا را مقدمه و مزرعه و تجارتخانه آخرت به حساب آورده است، و اعتقاد به این اصل مهم، توجه به مسائل دنیوی و حکومتی و ملی را در کنار مطالب معنوی و عرفانی و اعتقادی می‌طلبد (و قطعاً تشویق مردم برای شرکت در انتخابات، حضور در صحنه‌های سیاسی انقلاب، حمایت از دولت اسلامی، تبعیت و اطاعت محض از فرامین مقام عظمای نیابت عامه حضرت ولیعصر علیه‌السلام و ولی فقیه زمان از وظائف شرعی و عقلی مبلغین محترم دینی می‌باشد).

۶ - وظایف دیگران

از شخص سخنران و مبلغ و مرثیه‌خوان که بگذریم، نوبت به وظایف دیگران می‌رسد، و معلوم است که سایرین اعم از بانی و میزبان، مستمع و شنونده، و بزرگان و عالمان جامعه نیز در قبال سخنرانیها و روضه‌خوانیها دارای مسئولیتهای خطیر و قابل توجهی هستند، که اگر به خوبی مورد توجه و عمل قرار گیرد هرگز میدان تخلف از دستورات دینی برای بعضی از کسانی که حرفة شریف تبلیغ و خطابه و وعظ، و نیز روضه‌خوانی و مرثیه‌سرانی را با اهداف غیرصحیح و اغراض دنیوی آلوده ساخته و موجب وهن شریعت مقدسه گشته‌اند به وجود نمی‌آید.

● تشویق مردم برای شرکت در انتخابات، حضور در صحنه‌های سیاسی انقلاب، حمایت از دولت اسلامی، تبعیت و اطاعت محض از فرامین مقام عظمای نیابت عامه حضرت ولیعصر علیه‌السلام و ولی فقیه زمان، از وظائف شرعی و عقلی مبلغین محترم دینی می‌باشد.

الف - تکریم و احترام

مرحوم محدث توری در این باره (لزوم احترام به مبلغان) می‌فرماید:

اما دیگران که از (واعظ و روضه‌خوان) بهره‌مند می‌شوند و به فیوضات بی‌حد و احصاء می‌رسند، چه صاحب مجلس و چه غیر او از حاضرین، وظیفه‌اشان اعانت و رعایت و توقیر و اکرام و احسان و انعام به او است هم با مال و هم با زبان و سایر جوارح به مقداری که در توان دارند. آنها باید بدانند که آنچه به او کنند هرگز وفا به حق که در این عمل برایشان پیدا کرده نخواهد بود، زیرا آنچه به او دهند از متاع دنیا و رسومات آن است که به تارمونی از جامه‌های بهشتی که به وسیله نصایح و مواعظ آن روضه‌خوان به آنها رسیده نخواهد رسید، و لذا هر چه به او دهند کم داده‌اند و هر احترامی کنند کم بوده است.

و این مطلب با توجه و دقت و کنکاش در سیره مرضیه ائمه طاهرين علیهم السلام در ارتباط با روضه‌خوانان و نیز معلمین قرآن و مداحان ثابت است. (۵)

ب - پرهیز از تأیید اکاذیب

گوش دادن به اخبار کاذبه و حکایات و قصص دروغ جایز نیست، و تکلیف شنوندگان مجالس تعزیه‌داری در گوش کردن به سخنان روضه‌خوانان بی‌مبالات و متجری معلوم است.

خداوند در مقام مذمت یهودیان و بلکه منافقین و بیان صفات خبیثه و افعال قبیحه ایشان می‌فرماید:

سماعون لکذب سماعون لقوم آخرین. (۶)

و به فاصله یک آیه باز اهتمام نموده و فرموده:

سماعون لکذب اکالون للسهل. (۷)

آن جماعت شنوندگانش دروغ را برای دروغ گفتن، یا به نحو قبول کردن و پذیرفتن گوش دهند به دروغ.

به هر حال در این دو آیه کریمه تهدید بلیغی در گوش دادن به سخن دروغ وجود دارد، حال چه شنیدن برای نقل کردن باشد و یا خیر، و چه برای پذیرفتن باشد یا نه.

و نیز در مقام بیان نعمتهایی که در بهشت به متقیان مکرمت نموده می‌فرماید: لا یسمعون فیها لغواً ولا کذاباً. (۸)

بنابر بعضی تفاسیر، مراد از کذاب همان کذب است، یعنی بهشتیان در بهشت جاودان سخن بوج و بی‌فایده و کلام دروغ نشنوند.

پاورقی‌ها

۱ - لؤلؤ و مرجان / ۸۰ - ۱۶۹

۲ - صف / ۳

۳ - غافر / ۳۵

۴ - لؤلؤ و مرجان / ۳۱ - ۴۸

۵ و ۶ - مائده / ۴۱ - ۴۲

۸ - نباء / ۳۵